

## بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان کردستان - 30 / خرداد / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

خیلی خرسند شدم از اینکه اطلاع پیدا کردم که قرار است برای بزرگداشت چند هزار شهید در کردستان، حرکت فرهنگی و تبلیغی انجام بگیرد؛ این کار بسیار لازم و مفیدی است که وظیفه‌ای را برای همه‌ی فعالان و مسئولان و مردم فهیم در هر نقطه‌ای از کشور به وجود می‌آورد؛ بخصوص در بعضی از نقاط کشور که یک خصوصیتی دارند، مثل کردستان.

مسئله‌ی شهدای عزیز کردستان از چند جهت حائز اهمیت است و با بقیه‌ی مراکز کشور، یعنی با اغلب مراکز دیگر کشور، تفاوت دارد: یک نقطه‌ی بسیار مهم این است که میدان کار مبارزین کردستان - چه آنهایی که در عرصه‌ی دفاع مقدس و جنگ و عمل نظامی فعالیت کردند، مثل پیشمرگان گرد و سرداران و مانند اینها، چه آنهایی که در عرصه‌ی فرهنگی کار کردند مثل شهید شیخ‌الاسلام (۲) و امثال ایشان - یک میدان هموار و آسوده و راحتی مثل بقیه‌ی شهرستانها نبود؛ ضدانقلاب در خود شهرهایشان، در خود مراکزشان حضور داشت. مثلاً فرض بفرمایید مرحوم شیخ‌الاسلام من یادم نمیرود آن سخنرانی بسیار قوی و پرمغز و پرمطلبی که ایشان در مسجد جامع سنندج وقتی ما آنجا رفتیم، (۳) در حضور چند هزار نفر ایراد کرد. (۴) خب همان وقتی که ایشان این سخنرانی را ایراد میکرد، قطعاً میدانست که کسانی هستند در خود سنندج یا بیرون سنندج یا شاید در خود آن مجلس که با این بیانات و ابراز این بیانات مخالفند، اما در عین حال این شجاعت را، این قدرت روحی را نشان داد و آن سخنرانی قوی را در آنجا ایراد کرد. یا جوانهای پیشمرگ گرد که من سال ۵۸ و ۵۹ چند بار در کردستان از نزدیک با اینها مواجه شدم؛ اینها کسانی بودند که با عناصر بیرون مرز مواجه نبودند، [بلکه] با عناصر داخل خانه‌ی خودشان مواجه بودند، [با عناصر] داخل شهرهای خودشان مواجه بودند. مثلاً فرض کنید در یک محیطی مثل مشهد، خب مبارزان زیادی بودند که اینها حرکت میکردند به جبهه می‌آمدند، خیلی‌شان شهید میشدند، یا جانباز میشدند برمیگشتند؛ اینها این جور نبودند؛ همان جا و در محیط زندگی‌شان کسانی بودند که با اینها معارض بودند، مبارز بودند و علیه اینها توطئه میکردند؛ و اینها ایستادند، با آنها جنگیدند؛ این به نظر من یک نقطه‌ی بسیار مهمی است.

یک نقطه‌ی دیگر این است که طراحی دشمنان انقلاب اسلامی و دشمنان جمهوری اسلامی این بود که از اختلافات مذهبی، جدا، و اختلافات قومی [هم] جدا، برای شکست جمهوری اسلامی استفاده کنند؛ چون کشور ما از لحاظ تنوع قومی یکی از کشورهای کم‌نظیر است؛ اقوام مختلفی در این کشور تحت نام بزرگ ایران و نام بزرگ ملت ایران در کنار هم زندگی میکنند. در کمتر جایی به این شکل وجود دارد؛ آن جاهایی هم که وجود دارد، سرشار از تعارض است. در بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما، شما ببینید اختلافات بین مردم خودشان و اقوام دیگری که در آنجا هستند، چه اختلافات سنگینی است - که حالا من نمیخواهم اسم از آن کشورها بیاورم - چشم امید دشمنان به این بود که بتوانند در محیط اجتماعی ایران از اختلاف قومی و اختلاف مذهبی - مسئله‌ی شیعه و سنی - استفاده کنند. حالا من کردستان را مثال میزنم، بعضی از مناطق دیگر هم شبیه کردستان است، اما کردستان مثال واضحش است. آنچه در کردستان اتفاق افتاد، این بود که عناصر مؤمن و علاقه‌مند و هوشمند در کردستان این توطئه‌ی دشمن را خنثی کردند؛ یعنی نگذاشتند که دعوی گرد و فارس یا گرد و ترک در آنجا زنده بشود. یک عده اقلیتی که تحت تأثیر دشمنان خارجی بودند یک حرفهایی میزدند؛ من رفتم مهاباد، همه‌ی شهر مهاباد تقریباً تعطیل شده بود، آمده

بودند برای سخنرانی؛ به نظرم در خیابان که ما آمدم، همه‌ی این دکانها تعطیل بود، همه‌ی این جمعیت مردم شهر آمده بودند در آن محلی که محلّ سخنرانی ما بود جمع شده بودند تا سخنرانی ما را گوش کنند؛ و شعار میدادند، ابراز احساسات میکردند. من آنجا در سخنرانی خطاب به ضدانقلاب گفتم که کسانی که از قول قوم گرد حرف میزنند، بیایند اینجا را ببینند؛ این قوم گرد است. قوم گرد اینها هستند، نه آن مزدوری که رفته در بیرون کشور یا در یک نقطه‌ای نشسته و به نام یک قوم حرف میزند؛ قوم گرد این جمعیت است. سنج همین جور، جاهای دیگر همین جور.

بنابراین کاری که هم در کردستان، هم در آذربایجان غربی به وسیله‌ی مردم کرد انجام گرفته، کار بسیار بزرگی بوده. اینها حقیقتاً توانسته‌اند به انقلاب خدمت کنند و دشمن را مأیوس کنند؛ که خیلی با ارزش است. و در این راه شهدایی دادند؛ هم در جنگ تحمیلی شهید دادند، هم در مبارزه‌ی با ضدانقلاب شهید دادند، هم شهدایی دادند به خاطر حمایتشان از جمهوری اسلامی؛ مثل همین شهید شیخ‌الاسلام که اسم آوردیم، یا شهید عالی (۵) که جزو علمای آنجا بود و شهید ذبیحی (۶) که اینها ماموستاها و علمای معروف منطقه‌ی کردستان هستند. شهادت اینها به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی بود؛ سخنرانی کردند، اقدام کردند، فعالیت کردند، همکاری کردند با جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدند. در روستاهای کردستان و آذربایجان غربی کسان زیادی در همراهی با مأموران جمهوری اسلامی فعالیت‌هایی کردند که مورد انتقام ضدانقلاب قرار گرفتند و به شهادت رسیدند؛ یعنی شهادت در این منطقه یک شهادتی است که با فداکاری بیشتر، با تلاش و مجاهدت صادقانه‌ی واضحی همراه بوده. خداوند ان شاءالله درجات این شهدا را عالی کند.

حالا این گزارشی که سردار محترم سپاه دادند، خب گزارش خوبی است لکن اینها عدد و رقم است؛ آنچه ما توصیه میکنیم، آنچه بنده روی آن تکیه میکنم، خروجی کارهایی است که انجام میدهید. بایستی معلوم باشد این ارقام و اعدادی که ذکر کردید برای تشکیل مجامع، یا نشر بعضی از آثار، یا [کارهایی] مانند اینها، چقدر توانسته است در فضای فکری مردم، بخصوص جوانها، نسبت به تکریم مقام شهیدان اثر بگذارد؛ این مهم است. آنچه ما امروز احتیاج داریم، این است که مردم ما قدر شهدای ما را بدانند و بدانند که این جوانی که رفت به شهادت رسید، این عالمی که به شهادت رسید، این فرد کاسب زحمت‌کش یا زارع زحمت‌کشی که به شهادت رسید، چه خدمتی به کشور و به اسلام و به نظام جمهوری اسلامی کرده.

ما در کردستان خانواده‌ای را داشتیم که شش شهید داده‌اند؛ اینها جزو چیزهای کم‌نظیر است، یعنی ما در کشور شبیه این را کم داریم؛ یک خانواده‌ای شش پسرشان را در راه خدا داده‌اند؛ هم در راه‌پیمایی‌هایی که شرکت کردند شهید شده‌اند، هم در مبارزه‌ی با ضدانقلاب یا در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده‌اند؛ از این قبیل هست؛ این را بایستی نسل امروز بداند. جوان امروز باید بداند که اینکه ما به این وضعیت رسیده‌ایم، بحمدالله شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب رشد کرده و به ثمر نشست و کارهای زیادی انجام گرفته، چه تلاشهایی در این راه صورت گرفته؛ مهم‌ترینش همین تلاش شهدای ما است؛ این را باید نسل جوان بداند. پس بنابراین یک حرف این است که این کارهایی که انجام گرفته است به نحوی انجام بگیرد که خروجی مطلوبی داشته باشد؛ [یعنی] تأثیرگذاری بر روی افکار جوانها و برداشت جوان و تلقی جوانها از مسائل کشور و مسائل گذشته‌ی خودشان [داشته] باشد. چهل سال از انقلاب دارد میگذرد؛ ما باید بدانیم که در پایه‌گذاری این انقلاب و محکم کردن پایه‌های این انقلاب چه تلاشهایی انجام گرفته؛ این را جوان امروز بداند؛ حالا آن که از نزدیک دیده، میداند؛ اگر چه بعضی از آنها هم دچار فراموشی میشوند و راه را کج میروند و حرکت را عوض میکنند، اما عمده‌ی نگاه بنده به جوانها است. جوان امروز بداند که چه کارهایی انجام گرفته که این پایه این جور مستحکم شده و میتواند نظام جمهوری اسلامی با سربلندی احساس افتخار بکند. این یک نکته است.

نکته‌ی دوّم در مورد کارهای عمرانی و مانند اینها است؛ خب بله، کارهای عمرانی زیادی انجام گرفته منتها در مناطق کردی عقب‌ماندگی وجود داشته؛ این یک سیاست غلطِ معیوبی در رژیم طاغوت بوده که فکر میکردند که باید این جوری عمل بکنند؛ البته بی‌اعتنائی به مصالح ملی هم که در آن رژیم بوده. [لذا] عقب‌ماندگی وجود دارد؛ این عقب‌ماندگی‌ها را باید شماها جبران کنید. اینکه گفته میشود که ما سفارش کنیم، ما سفارش میکنیم، حرفی نداریم؛ شما نامه‌تان را بدهید، آنچه به نظرتان می‌آید بنویسید در آن نامه، ما به مسئولینش ارجاع میکنیم، سفارش هم میکنیم، تأکید هم میکنیم، منتها کننده‌ی کار، شما مسئولین هستید؛ یعنی مجریان کار، شما هستید؛ دستگاه رهبری که مجری نیست، دستگاه اجرائی نیست؛ مجری، شما هستید. باید دنبال کنید، باید تعقیب کنید. ما ممکن است یک دستوری به یک وزارتخانه‌ای، یا به مسئولین بالای کشور بنویسیم و بدهیم و تأکید کنیم، منتها آن که باید دنبال کار را بگیرد، خود شما هستید؛ بروید، بیایید، اصرار کنید، تأکید کنید تا آنچه میخواهید ان‌شاءالله به نفع مردم انجام بگیرد.

وظیفه‌ی ما تکریم شهدا است، این را فراموش نباید بکنیم؛ وظیفه‌ی ما تکریم خانواده‌های شهدا است؛ خانواده‌های شهدا هم از لحاظ اهمیّت صبرشان و کارشان در ردیف اول قرار دارند؛ باید از اینها تکریم کنیم و به اینها احترام کنیم. و این تکریم هم صرفاً تکریم زبانی نباشد، اگر چه تکریم زبانی هم مهم است. اینکه بعضی‌ها میگویند تعارف زبانی [خوب نیست]؛ نه، اینکه ما در زبان و در اظهاراتمان بزرگداشت برای شهید و مقام شهید قائل بشویم، چیز مهمی است؛ کسانی هستند که همین را برنمی‌تابند و ما بایستی در این جهت حرکت کنیم لکن در کنار این اقدامات عملی، تسهیلات و کمکهای گوناگونی که وجود دارد، باید نسبت به خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان و خانواده‌های ایثارگران و مانند اینها ان‌شاءالله انجام بگیرد.

خداوند ان‌شاءالله به شماها توفیق بدهد بتوانید کار کنید، خدمت کنید و در خدمت این حرکت عظیم قرار بگیرید و ارواح طیّبه‌ی شهدا را از خودتان ان‌شاءالله خشنود کنید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار - که در چهارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد - حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّد محمد حسینی شاهرودی ( نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان کردستان)، بهمن رادنی ( استاندار کردستان) و سرتیپ ۲ پاسدار محمد حسین رجبی ( فرمانده سپاه کردستان) گزارشهایی ارائه کردند. این کنگره‌ی در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۳۰ در سنندج برگزار خواهد شد.

(۲) ماموستا محمد شیخ‌الاسلام ( نماینده‌ی مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری)

(۳) سفر هشت‌روزه‌ی معظم‌له به استان کردستان در تاریخ ۲۲ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸

(۴) دیدار با جمعی از علما و روحانیون شیعه و اهل سنت استان کردستان ( ۲۳/۲/۱۳۸۸)

(۵) ملا برهان عالی

(۶) ملا محمد ذبیحی